



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

ضمیمه
۱۸۸

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سرمدبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲ فوریه ۲۰۱۱ - ۱۳ بهمن ۱۳۸۹



ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است!

گفتگوی رحیم رشیدی با آذر ماجدی

اما جنگ کومله و دمکرات همانگونه که در آن مقطع توسط منصور حکمت تحلیل و تبیین شد، جنگ بورژوازی
کورد بود با جنبش کمونیستی در کردستان.

ناسیونالیستها تبلیغ می کردند که "کومله فریب منصور حکمت فارس را خورده است".

تمام اسنادی که منصور حکمت تبیین می کرد همواره باتفاق آراء رای می آورد. کسانی که بعد از جدایی او شروع به
اتهام زنی به او کردند، بطور مثال عبدالله مهتدی، تا آخرین روزی که او در تشکیلات بود به او رای می دادند و با
او اعلام توافق می کردند.

در چند سال اخیر یک موج دلسردی در میان جنبش کمونیسم کارگری در سراسر ایران، از جمله کردستان، بوجود
آمد.

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی ضد کارگری، نژاد پرستانه و ضد آزادیخواهی و برابری طلبی است. یعنی تمام
آرمان هایی که کمونیسم برای آن مبارزه می کند. ناسیونالیسم ایدئولوژی بورژوایی برای تحت قیمومیت نگاه داشتن
طبقه کارگر است.

یادم است حتی عبدالله مهتدی یکبار به دفتر مرکزی حزب آمد و با منصور حکمت صحبت کرد و از او پرسید که
اختلاف منصور حکمت با او بر سر چیست. (او میخواست که از طرف منصور حکمت پذیرفته شود. البته عبدالله
مهتدی عضو فراکسیون کمونیسم کارگری بود.)

بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران

این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است!

گفتگوی رحیم رشیدی با آذر ماجدی

در زمان حمله آمریکا به عراق، پس از قدرت گیری احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق "فیل شان یاد هندوستان کرد" و بقول منصور حکمت "کوکاکولای شان را از آن بالا روی زمین دیدند" و علنا و عملا گرایش ناسیونالیست کرد درون حزب و کومه له به جلوی صحنه آمد و عبدالله مهدی که عضو فراکسیون کمونیسم کارگری درون حزب بود، اعلام کرد که کومه له باید "به دوستان امروز و فردایش" ابراز ارادت کند.

برای منصور حکمت بعنوان لیدر فکری، سیاسی و تئوریک مارکسیسم انقلابی و سپس کمونیسم کارگری، کمونیسم تغییر معنا نداده بود. او از تشکیل حزب، قصد روحیه دادن به پیشمرگان یا زندانیان سیاسی را نداشت، هر چند که این نتیجه جانبی باعث خوشحالی او بود. او میخواست انقلاب کارگری را سازمان دهد؛ سرمایه داری را واژگون کند و سوسیالیسم را بنا گذارد. مبارزه او معطوف به سازماندهی طبقه کارگر برای این انقلاب بود. خیلی سریع پس از تشکیل حزب و کنگره موسس، او مباحث مربوط به کمونیسم کارگری را آغاز کرد.

منصور حکمت یک سخنرانی مهم و مشهور (درون حزب) دارد بعنوان "فاصله حرف و عمل". این سخنرانی در مقر شین کاوه انجام گرفت. (پس از حمله رژیم به آن، ما به خاک عراق عقب نشینی کردیم و در شین کاوه یک مقر بزرگ سازمان یافت). تم اصلی این سخنرانی معطوف به فعالیت و

های بزرگ کارگری داشت. بسیاری از این هسته ها ضربه خوردند یا مجبور به انحلال شدند.

با دریافت خبر این ضربه بزرگ منصور حکمت به رهبری ا.م.ک پیشنهاد کرد که سریعاً بخشی به کردستان عازم شوند تا در دام پلیس رژیم اسلامی نیافتند. پس از بحث های بسیار قرار شد که منصور حکمت، حمید تقوایی و خسرو داور از رهبری سازمان عازم کردستان شوند. من نیز همراه منصور حکمت به کردستان رفتم. در کردستان از اردیبهشت ۱۳۶۱ فعالیت متمرکزی در جهت تشکیل حزب کمونیست ایران انجام گرفت. حزب کمونیست ایران در شهریور ۱۳۶۲ تشکیل شد. البته باید اشاره شود که مقاومت هایی در سازمان کومه له از جانب جریان ناسیونالیستی در مقابل تشکیل حزب وجود داشت. این مقاومت ها بنا به شرایط مختلف بیشتر و کمتر می شد. بطور مثال عبدالله مهدی که رهبری جریان پیوستن کومه له به مارکسیسم انقلابی را عهده دار بود، زیر این فشارها نوسان می کرد. در مقطعی به گرایش ناسیونالیستی تسلیم می شد و در مقطعی دو آتش از تشکیل حزب دفاع می کرد. اما بعضاً دفاع او از حزب به دلایل پراگماتیستی بود. برای نجات تشکیلات و جلوگیری از رشد انفعال درون پیشمرگان یا دلسرد شدن آنها و راه افتادن یک موج "آش پتال" خواهان تشکیل حزب می شد.

در نتیجه چه قبل از تشکیل حزب و چه پس از آن یک گرایش ناسیونالیستی درون کومه له با تشکیل حزب مخالف بود و به طرق مختلف مانع تراشی می کرد. اما باید اذعان کرد که اکثریت تشکیلات خواهان تشکیل حزب بود. این گرایشات پس از تشکیل حزب نیز به حیات خود ادامه دادند و بالاخره

ا.م.ک. ارسال شد. منصور حکمت ضمن ابراز خوشحالی از این رویکرد کومه له، این قطعه نامه ها را مورد نقد قرار داد. بدنبال این نقد، منصور حکمت به کردستان رفت و با رهبری کومه له چندین نشست داشت و از نزدیک با سازمان کومه له آشنا شد. سپس متن برنامه مشترک دو سازمان به نگارش درآمد. منصور حکمت بار دیگر در زمستان ۱۳۶۰ به کردستان سفر کرد و مدت دو ماه در کردستان و با کومه له بود.

طی این مباحث و مذاکرات رهبری دو سازمان بر لزوم تشکیل حزب کمونیست ایران که یکی از مطرح ترین مسائل درون جنبش چپ بود، تاکید کردند و به نقطه نظرات مشترکی در این زمینه رسیدند. ضرورت یک برنامه حزبی، مساله ای بود که ا.م.ک بر آن تاکید داشت، رهبری کومه له نیز این مساله را پذیرفت. رهبری کومه له خیلی سریع با منصور حکمت (که در آن زمان نادر نامیده می شد) نزدیک شد. اعتماد متقابل نسبت به توانایی های کمونیستی، انقلابی و عملی میان رهبری کومه له و منصور حکمت شکل گرفت. منصور حکمت در اواخر اسفند ماه به تهران بازگشت.

چند روز پیش از بازگشت او انتشارات ا.م.ک. ضربه خورده و ده ها نفر از رفقای ما دستگیر شده بودند. اگر اشتباه نکنم در این ضربه و دام های بعدی حدود صد نفر از رفقا دستگیر شدند. ا.م.ک در آن مقطع در بسیاری از کارخانه ها و واحدهای تولیدی هسته

رحیم رشیدی: اجازه بدهید که مصاحبه را با این سوال شروع کنم، چرا شما بعد از یک دهه مبارزه عملگرایانه در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران برای تحقق آرمانهای کمونیستی، به این نتیجه رسیدید که مبارزه را "کارگری" کنید؟

آذر ماجدی: راستش منظور شما را از مبارزه عملگرایانه متوجه نمی شوم. اگر اجازه دهید مختصری در مورد فعالیت مان تا تشکیل حزب کمونیست ایران توضیح بدهم. شاید این توضیحات مساله را روشن کند. من با سازمان اتحاد مبارزان کمونیست فعالیت می کردم. اتحاد مبارزان کمونیست در اسفند ماه ۱۳۵۷ تحت نام هسته سهند اعلام موجودیت کرد و چند ماه بعد نام خود را به سازمان اتحاد مبارزان کمونیست تغییر داد. فعالیت ما سیاسی، تئوریک و عملی یا پراتیک بود. اتحاد مبارزان کمونیست به رهبری منصور حکمت، یک مبارزه تئوریک - سیاسی همه جانبه و عمیق را علیه پوپولیسم، که خط حاکم بر جنبش چپ آن مقطع در ایران بود، به پیش برد. ا.م.ک موفق شد طی دو سال جنبش پوپولیستی را کاملاً عقب بنشاند و پرچم مارکسیسم انقلابی را در جنبش چپ ایران به اهتزاز درآورد.

نزدیکی ا.م.ک با کومه له نیز در همین متن و راستا آغاز شد. بخشی از رهبری وقت کومه له (از جمله عبدالله مهدی) در کنگره دوم به سمت ادبیات و مواضع ا.م.ک. سمتگیری کرد و اعلام هواداری از مارکسیسم انقلابی کرد. قطعه نامه های مصوب این کنگره برای رهبری

ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است ...

ماهیت فعالیت کمونیستی دارد. او خیلی روشن می گوید که وقتی ما فعالیت کمونیستی نمی کنیم، عملاً طبقات دیگر دارند فعالیت می کنند. یادم است که رهبری وقت کومه له از این سخنرانی ناراحت شد. این سخنرانی هیچوقت منتشر نشد. (اخیرا در انتشار بخشی از آرشیو شخصی او این نوشته منتشر شده است.)

در کنگره دوم منصور حکمت در گزارش کمیته مرکزی در مورد کمونیسم کارگری صحبت کرد. سپس بخش وسیعی از فعالیت تئوریک و سیاسی او بر باز کردن جنبه های مختلف این مقوله متمرکز شد. مباحث با ارزش او در مورد سبک کار کمونیستی، سیاست سازماندهی کارگری، عضویت کارگری، درباره اهمیت آژیناتور کارگری، حوزه های کمونیستی، شورا و سندیکا و غیره در این دوره در کنفرانس های درون تشکیلاتی ارائه شده و سپس در نشریات حزبی انتشار یافت. اغلب آثار این دوره منصور حکمت به باز کردن وجه و جنبه های متفاوت فکری، سیاسی و عملی کمونیسم کارگری اختصاص دارد.

این فعالیت شبانه روزی درون حزبی و علنی در اشاعه کمونیسم کارگری در حزب با استقبال وسیعی از یک سو و با سکوت یا تائید و سر تکان دادن ها و "به" کردن ها از سوی دیگر روبرو می شد. اما کار آنگونه که باید به پیش نمی رفت. بالاخره منصور حکمت کنفرانس های کمونیسم کارگری را در حزب برگزار کرد. پس از کنفرانس در مورد فعالیت حزب در کردستان، در تشکیلات کردستان اختلافات و تنش به شکل بارز و علنی بالا گرفت. منصور حکمت اعلام فراکسیون کرد. جالب اینجاست که

اکثریت حزب در تشکیلات علنی کردستان و خارج کشور به فراکسیون پیوستند، از جمله تقریباً تمام رهبری حزب. اما این مساله مانع از رشد تنش و جدایی نشد. بالاخره در کنگره سوم این اختلافات به شکل روشنی بروز کرد.

پس از حمله آمریکا و ناتو به عراق و روی کار آمدن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، گرایش ناسیونالیستی درون کومه له علناً ابراز وجود کرد و دیگر بنظر می رسید که همزیستی این گرایش با یکدیگر امکانپذیر نیست. منصور حکمت تصمیم به جدایی از حزب کمونیست گرفت. لازم است به یک نکته اشاره شود، منصور حکمت در حزب اکثریت مرکزیت و اعضای حزب را با خود داشت. اکثریت حزب به عضویت در فراکسیون کمونیسم کارگری درآمده بودند. طبق سنت هر حزب و سازمانی، چه راست و چه چپ او می توانست در کنگره حزبی، حزب را بدست بگیرد و ناسیونالیست ها را کنار بگذارد. اگر این کار را کرده بود، هیچ اصل دموکراتیکی زیر پا گذاشته نشده بود. او اکثریت را داشت. اما او تصمیم گرفت که دست به چنین اقدامی نزند. تصمیم گرفت که خود جدا شود و حزب دیگری تاسیس کند.

تعدادی از اعضای مرکزیت به او اعتراض می کردند. می گفتند که ما اکثریت هستیم و چرا باید امکانات و اسم حزب را بگذاریم و برویم؟ او اولاً در پاسخ می گفت که من انشعاب نمی کنم، استعفاء می دهم. و "جز قلم هیچی چیز دیگری

از حزب نمی برم." هر کس بخواهد می تواند در حزب بماند. سپس چنین استدلالی در مورد این تصمیم خود ارائه می داد: این یک تشکیلات مسلح است، اگر چنین کاری کنیم، جنگ مسلحانه در می گیرد، خون به راه می افتد. ضمن کشته شدن عده ای انسان، کمونیسم در این فشاری که زیر آن قرار گرفته است نمی تواند براحتی سر بلند کند. مهر استالینیسیم به ما خواهند زد و کارمان بسیار دشوار خواهد شد. لذا او از حزب استعفاء کرد. بدنبال استعفاء او بسیاری از مرکزیت حزب و کادرهای آن نیز استعفا دادند. بخش عظیم این کادرها به حزب کمونیست کارگری که توسط منصور حکمت تاسیس شد پیوستند.

امیدوارم که این تاریخچه مختصر علت جدایی ما از حزب کمونیست ایران را روشن کرده باشد. البته ادبیات بسیاری از این دوره موجود است که می توان با رجوع به سایت بنیاد منصور حکمت به آنها دسترسی پیدا کرد. مطالعه این ادبیات قطعاً تمام آن تاریخ و ماهیت کشمکش هایی که به جدایی منصور حکمت و اکثریت کادرهای حزب کمونیست ایران و کومه له انجامید را روشن می کند.

رحیم رشیدی: آیا واقعا مبارزه شما در صفوف کومه له راستای تحقق منافع کارگران نبود که لزوماً باید شما جدا می شدید، تا برای رهایی طبقه کارگر یک حزب کارگری تشکیل می دادید؟

آذر ماجدی: فکر می کنم که پاسخ به این سوال تا حدود زیادی در پاسخ به سوال اول داده شده است. همانگونه که اشاره کردم، حزب کمونیست ایران دارای گرایشات مختلف بود. گرایش کمونیست کارگری، گرایش مرکز یا چپ رادیکال و گرایش ناسیونالیست کرد. تا مقطع کنگره سوم این گرایشات در کنار هم فعالیت می کردند. "فاصله حرف و عمل" عملاً به این همزیستی گرایشات نقد داشت. اینکه فعالیتی که باید معطوف به مبارزه کمونیستی و

سازماندهی طبقه کارگر برای انقلاب کارگری می بود، عملاً در بسیاری موارد نتیجه دیگری می داد. تلاش های کمونیستی بعضاً با مبارزه منفی گرایش ناسیونالیست کرد مواجه می شد.

ظاهراً همه با نظرات، مواضع و سیاست های منصور حکمت موافق بودند. منصور حکمت همواره باتفاق آراء برای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی انتخاب می شد. در کنگره دوم و سوم گزارشی که توسط او تهیه و تبیین شده بود، بعنوان گزارش کمیته مرکزی به کنگره ارائه شد. (یعنی در پلنوم پیش از کنگره کمیته مرکزی به آن رای داده بود و از او خواسته بود که بعنوان گزارش کمیته مرکزی ارائه اش دهد.) حتی پس از اینکه تصمیم گرفت از حزب جدا شود، تا زمانی که رسماً استعفاء خود را تقدیم پلنوم کرد، او باتفاق آراء به دبیری تشکیلات انتخاب شد. تمام اسنادی که او تبیین می کرد همواره باتفاق آراء رای می آورد. کسانی که بعد از جدایی او شروع به اتهام زنی به او کردند، بطور مثال عبدالله مهدی، تا آخرین روزی که او در تشکیلات بود به او رای می دادند و با او اعلام توافق می کردند.

یادم است حتی عبدالله مهدی یکبار به دفتر مرکزی حزب آمد و با منصور حکمت صحبت کرد و از او پرسید که اختلاف منصور حکمت با او بر سر چیست. (او میخواست که از طرف منصور حکمت پذیرفته شود. البته عبدالله مهدی عضو فراکسیون کمونیسم کارگری بود.) منصور حکمت بارها گفته بود که "موافق نمیخواهم، هم نظر می خواهم." منصور حکمت تلاش بسیاری کرد که حزب کمونیست را در ریل فعالیت کمونیستی کارگری قرار دهد. تلاش شبانه روزی در اقتناع، نوشتن، صحبت کردن، رهبری عملی و سیاسی حزب. ولی عملاً در نقطه ای به اینجا رسید که این کار دیگر امکانپذیر نیست و آب در هاون

ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است ...

کوبیدن است. شرایط بین المللی، سقوط شوروی، حمله بورژوازی هار به مارکسیسم و کمونیسم و پر وبال گرفتن ناسیونالیسم بطور کلی و ناسیونالیسم کرد بطور خاص، کار را یکسره کرد.

رحیم رشیدی: چرا تا کنون جریانات چپ رادیکال در کشور ما نتوانسته‌اند به نیروی تاثیر گذار اجتماعی تبدیل شوند؟

آذر ماجدی: این ارزیابی اغراق آمیز است. چپ در جامعه تاثیرات بسیاری داشته است، اما موفق نشده است که قدرت را بنفع کارگر و کمونیسم بچرخاند. آرمان های چپ در آنچه به انقلاب 57 معروف شد بسیار نقش داشت. در مقطع انقلاب، چپ در جامعه بسیار محبوب و با نفوذ بود. در اول ماه مه 1358 حدود سیصد هزار نفر زیر پرچم چپ فقط در تهران راهپیمایی کردند. اما دو مساله باعث شد که چپ نتواند در قدرت سیاسی نقش تعیین کننده ای ایفاء کند.

سرکوب خشن بورژوازی. باید توجه داشت اگر چپ آنطور که در سوال شما مستتر است بی تاثیر بود، این خشونت و سرکوب بورژوازی ضرورت پیدا نمی کرد. این دستگاه پیچیده سرکوب ضروری نمی شد. گذشتار دهه 60 عمدتاً هدفش نابودی چپ و کمونیسم در جامعه بود. بیش از صد هزار نفر اعدام شدند که بخش بزرگ آن چپ و کمونیست بودند.

در کردستان که چپ موفق شد یک جنبش اجتماعی را سازمان دهد. بویژه در جنوب کردستان، در سنندج و مریوان، سازماندهی جنگ سنندج و کوچ مریوان فقط دو نمونه از این تاثیر و نفوذ چپ

است. حمله حزب دموکرات به کومه له نیز بخشی از حمله بورژوازی به چپ و کمونیست در جامعه بود. درست است که اکنون هم کومه له ای های سابق و هم حزب دموکرات تلاش دارند که این جنگ را بعنوان یک "برادر کشی" اعلام کنند و "گناه" آنرا نیز به گردن منصور حکمت بیاورند. اما این جنگ همانگونه که در آن مقطع توسط منصور حکمت تحلیل و تبیین شد، جنگ بورژوازی کرد بود با جنبش کمونیستی در کردستان. البته بالاخره با توصیه منصور حکمت مبنی بر ارائه آتش بس یکجانبه از طرف کومه له به حزب دموکرات این جنگ پایان یافت.

پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی، چپ تنها جریانی بود که علیرغم ضعف هایش، حاکمیت پوپولیسم بر آن و نفوذ شرق زدگی در آن، از حقوق زن دفاع کرد و توانست در ابتدا عقب نشینی هایی به رژیم اسلامی تحمیل کند. جنبش کارگری و مقاومت های آن در مقابل رژیم جنایتکار اسلامی نیز بروزی از جنبش کمونیسم کارگری بود. اینکه رژیم اسلامی سی سال است که باید مشغول سرکوب اپوزیسیون باشد و مدام در حال جنگ و سرکوب یک دلیل اصلی آن قوی بودن و نفوذ آرمان ها و جنبش کمونیستی است. اما مشکل اصلی حاکمیت کمونیسم غیرکارگری بر جنبش چپ ایران است. البته این فقط معضل کمونیسم ایران نیست، یک پدیده بین المللی است. در ابتدا پوپولیسم گرایش غالب در جنبش کمونیستی ایران بود، که مارکسیسم انقلابی توانست آنرا نقد کند و به عقب بنشانند.

کمونیسم کارگری توانست کمونیسم را از زیر انقیاد این گرایشات بورژوایی بیرون آورد. اما متأسفانه خود جنبش کمونیسم کارگری نیز با مرگ منصور حکمت و رویدادهای ناگواری که در حزب کمونیست کارگری پیش آمد، دچار ضربات بسیاری شد. این رویداد ها و ضربات یک عقب نشینی را به جنبش کمونیسم کارگری تحمیل کرد که به جنبش چپ سنتی و رادیکال میدان داد بار دیگر عرض اندام کند. ما اکنون امیدواریم که بتوانیم دگر بار جنبش کمونیسم کارگری را با قدرت به میدان مبارزه سیاسی بکشانیم.

رحیم رشیدی: مدام در جریانات چپ به ویژه کمونیست کارگری انشعاب صورت می گیرد، دلیل اصلی این همه تضاد و انشعاب چیست؟

آذر ماجدی: انشعاب در تمام احزاب سیاسی رخ می دهد. اختلاف بر سر تاکتیک، استراتژی در تمام احزاب موجود است. این مساله خاص جریانات چپ نیست. در احزاب راست، فراکسیون های مختلف اعلام شده و نشده وجود دارد که برای دستیابی به رهبری حزب فعالیت می کنند. این احزاب بخاطر دستیابی به قدرت معمولاً یک ظاهر متحد را حفظ می کنند. اما در محافل شان بعضاً چشم ندارند همدیگر را ببینند. این واقعیت سیاست راست است.

در جامعه ایران بعثت دیکتاتوری، سرکوب و خفقان، تحزب سیاسی یک پدیده جاافتاده و گسترده نیست. مبارزه حزبی بجز دوره های بسیار کوتاه، هیچگاه نتوانسته در جامعه ریشه بدواند و به یک سنت جاافتاده بدل شود. این مساله در مورد جریانات راست در سیاست ایران بیشتر از چپ بچشم می خورد. به کل جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و ملی - اسلامی نگاه کنید و پراکندگی سیاسی این دو جنبش از نقطه نظر تحزب را بخوبی مشاهده می کنید. در کل جنبش ناسیونالیسم پرو غرب، طرفداران رژیم سابق، با شاه یا بی شاه، فقط یک حزب وجود

دارد که بخش کوچکی از این جنبش را در خود متشکل کرده است. طیف ملی - اسلامی یک طیف وسیع از چپ تا راست است که به گروه ها و جریانات کوچک و بزرگ تقسیم شده است.

فضای ضد کمونیستی حاکم موجب می شود که چنین تبلیغاتی در مورد چپ و جنبش کمونیستی اشاعه یابد. و ظاهراً اگر باندازه کافی یک گفته تکرار شود بعنوان حقیقت پذیرفته می شود. در حالیکه تا به سیاست در ایران بر می گردد، چپ از نظر تحزب بسیار مستحکم تر از راست است. تا آنجا که به کمونیسم کارگری بر می گردد، حزب کمونیست کارگری بمدت ده سال تحت لیدرشیب منصور حکمت با استحکام کامل فعالیت می کرد. البته همیشه افراد مختلف به یک حزب می پیوندند یا از آن جدا می شوند؛ حزب سیاسی مثل فرقه مذهبی نیست که اگر یکبار به آن پیوستی، خروج از آن با کرام الکاتبین باشد. در حزب کمونیست کارگری دو انشعاب پس از مرگ منصور حکمت رخ داد که دلایل بسیار روشن سیاسی و جنبشی دارد. ما به سهم خود در نوشته های متعددی علل این واقعه را تحلیل کرده و توضیح داده ایم*.

اما اگر کمونیسم کارگری را با جریان ناسیونالیسم کرد مقایسه کنید، تعداد انشعابات در جریان اخیر بسیار بیشتر است. حزب دموکرات کردستان تاکنون چندین انشعاب را پشت سر گذاشته است. در کومه له تاکنون چندین انشعاب رخ داده است. پس از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران تاکنون دو انشعاب از موضع ناسیونالیسم کرد از کومه له رخ داده است و در سازمان زحمتکشان نیز یک انشعاب رخ داده است. حداقل انشعاب در حزب کمونیست کارگری بر سر مسائل مالی و بالا کشیدن پول های آمریکا نبوده است و در هنگام جدایی به روی یکدیگر اسلحه نکشیدند. در حالیکه اسلحه کشیدن به روی مخالف در

ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است ...

پلنوم سازمانی، یا دعوا و مرافعه بر سر بالا کشیدن پول واقعیت جریان ناسیونالیست کرد، بویژه باند زحمتکشان است.

رحیم رشیدی: منتقدین حزب کمونیست کارگری، حزبتان را بیشتر یک جریان شعاری و خیالی قلمداد می کنند، در این رابطه چه پاسخی دارید؟

آثر ماجدی: من اکنون بیش از سه سال است که از حزب کمونیست کارگری جدا شده ام و همراه رفقایم حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بنیان گذاشته ایم. ما خود به این حزب، سیاست ها و روش های آن نقد های بسیاری داریم، اما نقد ما از زاویه چپ و کمونیسم کارگری منصور حکمت است. مطمئن نیستم که شما از چه منتقدینی صحبت می کنید و نقد آنها از چه زاویه ای است. لذا در این مورد نمی توانم اظهار نظر کنم.

رحیم رشیدی: شما به عنوان جریانی که از دل کومه پا به عرصه مبارزه حزبی گذاشتید، چرا این همه با کردیت و "گوردایه‌تی" و ملی گرایی کردها مخالفت می کنید؟

آثر ماجدی: این یک ارزیابی بسیار نادرست است. من یا ما "از دل جریان" کومه له پا به عرصه مبارزه حزبی نگذاشتیم. من و بسیاری از رفقایم همانگونه که گفتیم از کمونیست های قدیمی هستیم، که در مقطعی همراه کومه له حزب کمونیست ایران را تشکیل دادیم. برایم جالب است که شما بعنوان یک "ناسیونالیست کرد" چنین ارزیابی را ارائه می دهید. زیرا که پس از تشکیل حزب کمونیست ایران،

ناسیونالیسم کرد اعلام می کرد که "منصور حکمت فارس" کومه له را فریب داد.

حال به بخش دوم سؤالتان بپردازم. من بعنوان یک کمونیست کارگری عمیقاً مخالف ناسیونالیسم هستم. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی ضد کارگری، نژاد پرستانه و ضد آزادیخواهی و برابری طلبی است. یعنی تمام آرمان هایی که کمونیسم برای آن مبارزه می کند. ناسیونالیسم ایدئولوژی بورژوازی برای تحت قیمومیت نگاه داشتن طبقه کارگر است. ناسیونالیسم یک مانع جدی دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر و مرفه است. از این رو من با هر نوع ناسیونالیسمی مخالفم، چه عظمت طلب، چه قومی؛ چه ایرانی، چه کرد. از این رو است که ما مخالف کردایتی و ناسیونالیسم کرد هستیم. از قضا حزب اتحاد کمونیسم کارگری بسیار بیشتر علیه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، بعنوان یک مانع مهم سیاسی - ایدئولوژیک در برابر سازماندهی یک انقلاب کارگری و ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، افشاء گری می کند و آن را مورد نقد قرار می دهد.

رحیم رشیدی: شما کاملاً به این امر واقفید که تا کنون انشعابات پی در پی در کومه له و حزب کمونیست ایران به وقوع پیوسته است، که دلیل اصلی آن تن دادن به یک خواست عمومی رایج در کردستان و آن هم رفع ستم ملی است، دیدگاه شما در این رابطه چیست؟

آثر ماجدی: تاکنون چندین انشعاب در حزب کمونیست ایران و کومه له رخ داده است. اما دلیل آن "تن دادن به خواست ستم ملی نیست." این بنظر من بیان وارونه واقعیت است. دلیل انشعابات وجود گرایشات مختلف درون کومه له است. این انشعابات عملاً میان دو گرایش راست و چپ درون ناسیونالیسم کرد رخ داده است. ستم ملی موجد ناسیونالیسم نیست. بالعکس است. ناسیونالیسم ستم ملی را بوجود می آورد. علیرغم ایده رایج و حاکم، ناسیونالیسم جواجوی ستم ملی نیست، بالعکس، ناسیونالیسم به تفرقه و جدایی ملی دامن می زند. این یکی از سموم ناسیونالیسم است که در بالا به آن اشاره کردم.

پاسخ واقعی به ستم ملی، برابری طلبی واقعی است. به این معنا کمونیسم کارگری پاسخ واقعی و انسانی به ستم ملی ارائه می دهد. ما خواهان رفع ستم ملی هستیم. لذا برای برابری واقعی، اجتماعی و اقتصادی کلیه ساکنین یک جامعه، صرف نظر از ملیت، نژاد، جنسیت، زبان، مذهب مبارزه می کنیم. تا آنجا که به مساله زبان مربوط می شود، ما از حق هر انسان به سخن گفتن به زبان مادری دفاع می کنیم و مخالف تعیین زبان رسمی هستیم. بعلاوه یک راه حل معین نیز برای مساله کرد داریم. ما خواهان برقراری رفتارندم در شرایط آزاد در مناطق کرد نشین هستیم. با این رفتارندم روشن می شود که آیا مردم کردستان خواهان باقی ماندن در ایران و زندگی در شرایط برابر با سایر شهروندان هستند یا می خواهند جدا شوند و کشور خود را داشته باشند.

این پاسخ واقعی و انسانی به ستم ملی و مساله کرد است. اما ناسیونالیسم می کوشد که ملیت را عمیق کند. جدایی ملی و برتری ملی را گسترش دهد. بدین ترتیب حاکمیت ناسیونالیسم با حاکمیت تفرقه ملی و نژاد پرستی توأم خواهد بود.

رحیم رشیدی: جریان شما در حالی که شعار تا سر حد جدایی و "تشکیل دولت مستقل کردستان" را به دنبال خود یدک می کشد، زننده ترین

ادبیات سیاسی را در مورد جریانات توده ای کردستان و شخصیت های بارز آن به کار می گیرد، آیا تا کنون این روند برای جریان کمونیست کارگری دستاوردی به دنبال داشته است؟

آثر ماجدی: اولاً کمونیسم کارگری این شعار را "یدک نمی کشد." این مطالبه در برنامه "یک دنیای بهتر" برنامه حزب ما که توسط منصور حکمت نوشته شده است، بعنوان یک بند طرح شده است. بنابراین یک مطالبه برنامه ای ما است.

در این سوال چند مقوله ناروشن مطرح شده که پاسخ به این سوال را دشوار می کند. "جریانات توده ای کردستان" منظور چه جریاناتی هستند؟ "شخصیت های بارز" منظور چه کسانی هستند؟ "ادبیات زننده" کدام ادبیات منظور نظرتان است؟ بدون روشن بودن این مقولات قبول می کنید که پاسخ ساده نیست.

من شخصا ادبیات زننده ای را بخاطر ندارم. اما ما ناسیونالیسم کرد را نقد کرده و نقد خواهیم کرد. همانگونه که در بالا اشاره کردم، ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است. خیلی دور لازم نیست برویم. به بالکان در دهه 90 میلادی نگاه کنید که چگونه ناسیونالیسم یک جنگ خانمان برانداز را در قلب اروپا دامن زد. "پاکسازی قومی" ترمی بود که در این جنگ مورد استفاده قرار گرفت.

یا به کردستان عراق نگاه کنید که چگونه وضعیت مردم کارگر و زحمتکش و بخصوص زنان پس از روی کار آمدن ناسیونالیسم کرد بمراتب بدتر شده است. ما با ناسیونالیسم مخالفیم و بشدت با آن مبارزه می کنیم. این را رسماً در برنامه مان اعلام کرده ایم.

ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است ...

رحیم رشیدی: با توجه به گفتار و کردار متضادی که در رابطه با رفع ستم ملی در کردستان، کم و بیش در مورد آن بحث کردیم، آینده کمونیسم کارگری را در کردستان ایران چگونه می بینید؟

آذر ماجدی: با توجه به پاسخی که من به سوال بالا دادم، راستش این سوال جایی ندارد. زیرا تضادی میان گفتار و کردار کمونیسم کارگری وجود ندارد. یکبار دیگر تاکید می کنم. ناسیونالیسم پاسخ ستم ملی نیست. کمونیسم کارگری پاسخی قاطع و انسانی به ستم ملی و مساله کرد ارائه کرده است.

باید بگویم که کمونیسم کارگری در کردستان بسیار محبوب است. در چند سال اخیر یک موج دلسردی در میان جنبش کمونیسم کارگری در سراسر ایران، از جمله کردستان، بوجود آمد. این یک واقعیت تلخ اما قابل درک است. مرگ منصور حکمت و انشعاب در حزب کمونیست کارگری ایران موجب این دلسردی بوده است. اما حزب اتحاد کمونیسم کارگری در سه سال و نیم گذشته با تمام قوا تلاش کرده است که بر این موج دلسردی فائق آید و روحیه اتحاد را در جنبش کمونیسم کارگری احیاء کند. ما بمیزان بسیار زیادی موفق بوده ایم. بویژه سیاست ها و مواضع اصولی و کمونیستی حزب ما در خیزش اخیر مردم ایران و در قبال مسائل و رویدادهای متفاوت که موجب برافراشته نگاه داشتن پرچم کمونیسم کارگری منصور حکمت شده است، به این امر کمک بسیار کرده است. آینده کمونیسم کارگری را در کردستان درخشان می بینم.

رحیم رشیدی: خانم ماجدی، اجازه بدهید که یک سوال سیاسی -

دموکرات و کومه له را به گردن منصور حکمت بیاندازند. در حالیکه این حزب دموکرات بود که به کومه له حمله کرد. کوشید فعالیت سیاسی کومه له را محدود کند. و بالاخره این منصور حکمت بود که با توصیه "آتش بس یکجانبه" به کومه له باعث پایان جنگ گردید.

بعلاوه، عبدالله مهندی پس از جدایی منصور حکمت از حزب کمونیست ایران، زنده ترین لحن را علیه منصور حکمت استفاده کرد. اخیرا نیز که خود من کومه له را مورد نقد سیاسی قرار دادم، کادرهای کومه له با توسل به یک لمپنیسم زنده به پاسخگویی برآمدند و دگر کارگری حمله ور شدند. این ناسیونالیسم است که به منصور حکمت، کمونیسم کارگری، ما، حزب اتحاد کمونیسم کارگری حمله می کند. ناسیونالیسم از رشد کمونیسم کارگری در کردستان بسیار نگران و در هراس است. قابلیت و پتانسیل این جنبش را می شناسد. از محبوبیت شخص منصور حکمت در کردستان آگاه است. فکر می کنم که بد نباشد شما فاکت هایتان را بار دیگر چک کنید.

بیوگرافی خانم آذر ماجدی:

عضو رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری، رئیس سازمان آزادی زن، عضو هیات اجرایی ابتکار فمینیستی اروپا و رئیس بنیاد منصور حکمت است. آذر ماجدی همچنین نویسنده، مدرس، برنامه ساز تلویزیونی و از فعالین جنبش آزادی زن و اپوزیسیون جمهوری اسلامی است.

آذر ماجدی در سال 1361، بدنبال ضربه خوردن سازمان اتحاد مبارزان کمونیست، همراه همسرش منصور حکمت به کردستان رفت و مدت دو سال در کردستان با ا. م. ک و سپس حزب کمونیست ایران فعالیت می کرد. آذر در هیات تحریریه نشریه کارگر کمونیست، کمونیست و رادیو صدای حزب کمونیست ایران فعالیت داشت.

آذر ماجدی در سال 1984 به اروپا رفت و فعالیت خود علیه رژیم اسلامی، برای آزادی، برابری و حقوق زنان را در اروپا ادامه داد. وی در سال 1991 به عضویت حزب کمونیست کارگری در آمد و در کنفرانس اول حزب به عضویت کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب انتخاب شد و تا سال 2007 در رهبری حزب بود. وی از سال 2004 تا 2006 رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری بود. آذر طی سال های 1999-2002 مدیر و از برنامه سازان رادیو انترناسیونال و از 2004 تا 2007 از برنامه سازان تلویزیون کانال جدید و تلویزیون انترناسیونال بود. در سال 1998 نشریه مدوسا را همراه رفقای خویش راه اندازی کرد و بعنوان سردبیر آن فعالیت می کرد. آذر ماجدی در ماه مه 2007 از حزب کمونیست کارگری جدا شد و همراه رفقای خود حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بنیان گذاشت. آذر ماجدی در ماه ژوئیه 2002، پس از مرگ منصور حکمت، بنیاد منصور حکمت و در نوامبر همان سال سازمان آزادی زن را بنیان گذاشت. آذر ماجدی در کنفرانس های متعدد بین المللی در مورد وضعیت زنان در ایران و خاورمیانه، اسلام سیاسی، سکولاریسم، اوضاع سیاسی ایران و موقعیت جمهوری اسلامی شرکت کرده است. او همچنین از سازماندهندگان کنفرانس های بسیاری بوده است.

انتشارات:

کتابی به زبان انگلیسی از آذر تحت عنوان: "حقوق زنان در تقابل با اسلام سیاسی" در سال 2007 منتشر شده است. همچنین کتابی در رابطه با مبارزه برای آزادی زن در ایران و مبارزه علیه اسلام در دست انتشار دارد. مقالات متعددی از وی در رابطه با مساله زن، اسلام سیاسی، سکولاریسم و جمهوری اسلامی علاوه بر نشریات و وب سایت های فارسی زبان در ژورنال ها و وب سایت های بین المللی و به زبان های

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به
چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند،
حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه
ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و
ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی
آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

امروز تونس و مصر، فردا اردن،
ایران، سوریه، ... همه جا!
زنده باد قیام توده ای علیه فقر و اختناق!

ناسیونالیسم یک جریان خطرناک است، یک سم یا ویروس اجتماعی است ...

مختلف انتشار یافته است. مقالات او به زبان های مختلف، از جمله
فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی، عربی، ترکی، لهستانی و
یونانی ترجمه شده است.

رسانه ها:

رسانه های مختلف بین المللی، از جمله رادیو بی بی سی، تلویزیون
بی بی سی فارسی، رادیو صدای آمریکا، تلویزیون جی ام تی وی،
تلویزیون "مور 4"، اینترنشنال هرالد تریبیون اشپیگل آنلاین،
یوتیوبی پستن و غیره با او مصاحبه کرده اند. آذر همچنین در
تلویزیون آی تی وی و همچنین در فیلمی که توسط تلویزیون بی بی
سی در مورد شیرین عبادی تهیه شد، حضور داشته است. در سی
امین سالگرد انقلاب 57 رادیو بی بی سی 4 و همچنین سرویس
جهانی در برنامه ویژه شان با او مصاحبه کرده اند.

جوایز:

آذر ماجدی در سال 2007 کاندید دریافت جایزه اما هامفری شد. در
سال 2008 از طرف بنیاد شیلا مک ککنی برای دریافت جایزه در
لیست فینالیست ها قرار گرفت و در همان سال کاندید دریافت جایزه
سکولاریست سال شد.

توضیح:

لطفا در مورد این مصاحبه هر نقد، سوال یا اظهار نظری دارید، با
بنده تماس حاصل فرماید.

info@rahimrashidi.com

منبع:

<http://rahimrashidi.com>

نه به اعدام!

اعدام قتل عمد دولتی است! اعدام
اسم دولتی آدمکشی است!
حکومت اعدام باید سرنگون شود!
کارگران خواهان الغای بیقید و
شرط مجازات اعدام هستند!

بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران

این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!

به گزارش سایت سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، متن این اطلاعیه که به امضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه رسیده، به شرح زیر است:

افزایش حداقل دستمزدها باید متناسب با تورم و تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی باشد.

حداقل دستمزدی که در طول سالهای گذشته و بدون حضور نماینده های واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم.

قرار بوده است افزایش هر ساله حداقل دستمزد کارگران متناسب با تورم و سید هزینه یک خانوار چهار نفره باشد. اما آیا در طول سالهای گذشته چنین چیزی در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شده است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان اقتصادی در سال گذشته خط فقر نزدیک به یک میلیون تومان بوده است اما حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند که با احتساب سایر موارد قانونی مربوط به دستمزدهای کارگران حداکثر دریافتی اکثریت عظیم آنان به ۵۰۰ هزار تومان نیز نمیرسد. آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر یک میلیون تومانی جز این است که صراحتاً ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده اند؟ آیا چنین وضعیتی برای تعیین کنندگان حداقل دستمزد و خانواده های آنان قابل تحمل است که برای ما کارگران نیز قابل تحمل باشد. آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمتها کفاف تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره را میدهد؟

از نظر ما اگر قرار شده است قیمت اکثر کالاهای اساسی زندگی چندین برابر بشود ما کارگران نیز حق داریم دستمزدهای خود را به چندین برابر افزایش دهیم. آیا به جز این است که نیروی کار ما کارگران تنها کالایی است که ما از طریق فروش آن به صاحبان سرمایه امرار معاش میکنیم؟ آنوقت چرا باید وقتی نوبت تعیین قیمت نیروی کار ما کارگران فرا میرسد ما باید نظاره گر باشیم و عده ای در شورای عالی کار بدون حضور نماینده های واقعی ما، قیمت نیروی کار ما را تعیین بکنند و یک زندگی زیر خط فقر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل نمایند.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،

بهمن ۱۳۸۹

مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید. مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران است. مجمع عمومی رکن اساسی شوراهای کارگری است. جنبش مجامع عمومی منظم را تقویت کنید!

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!